

شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ هـ. ق و نسخه تفسیر قرآن در فلورانس*

خرد دست گیرد به هر دو سرای

خرد رهنمای و خرد دلگشای

عطف به مقاله «دو نکته درباره شاهنامه فلورانس» نگارش جناب آقای دکتر محمد روشن در نامه بهارستان (سال سوم، شماره دوم، دفتر ۶، پاییز - زمستان ۱۳۸۱)، ص ۳۷۵/۵۰۶. برای آگاهی مسئولان محترم و خوانندگان گرامی مجله ملاحظه می‌کنم که تا آنگاهی که آن دفتر ششم توسط پست (۱۵ اکتبر ۲۰۰۳) به دستم رسید از انتشار مقاله نگارنده نامبرده کاملاً بی‌خبر بودم. از قول او شگفتیدم.

خاطر نشان می‌کنم که کلیه گفته‌هایی که آقای محمد روشن ادعا می‌نماید آنها را چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ (۱۳ ژوئن ۱۹۹۰) در سفارتخانه ایتالیا در ایران از لب من شنید و سپس به راحتی یادداشت کرد گزارش دقیق و صحیح از سخنان و مفاهیم من نمی‌باشد.

علی‌رغم اینکه سخنم به زبان فارسی بود، هر جمله‌یی که وی به طور تحت‌اللفظی به من نسبت داد باز گوینده قلم خود نگارنده است و کلمه به کلمه، مفهوم به مفهوم، بازتاب دهنده بیان و فکر خودم نیست. یادداشت او معانی و موارد مرا به درستی منعکس نکرد و نتیجه چهره این جانب را دگرگون نمود. این تحقیق نیست بلکه تحقیر است.

روز ۲۳ خرداد ۱۳۶۹ (۱۳ ژوئن ۱۹۹۰) موجب تشریف آوردن آقای روشن به دفتر رایزن فرهنگی سفارت ایتالیا در تهران، که به عهده این جانب می‌گذاشت، قرار مصاحبه مطبوعاتی یا تشکیل جلسه علمی نبود. مورد اصلی تشریف داشتن او، ساعت ۹ صبح، درخواست وی از اقدامات لازمه به عمل آوردن تسهیلات اداری مساعد صدور روادید بود. برنامه مسافرتش بازدید دختر وی، دانشجوی در شهر آنکونا، و دیدار کوتاه «شاهنامه فلورانس» بود. همان روز با کمال میل این خدمت را انجام دادم و به سمت رایزن فرهنگی معرفی‌نامه را به سرکار خانم دکتر کارلا گویدوچی بونانی (Carla Guiducci Bonanni)، ریاست کتابخانه ملی مرکزی فلورانس، نوشتم و رونوشت را به کنسولگری ایتالیا در تهران تحویل کردم تا روادید صادر شود. جناب آقای محمود بروجردی رئیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی با نامه به تاریخ ۶ تیر

۶۹ (۲۷ ژوئن ۱۹۹۰) رسماً صدور روادید را از آن کنسولگری درخواست کردند. آقای محمد روشن یادداشت کرد که ۲۲ خرداد ۱۳۶۹ آقای محمود بروجردی به وی گفته بودند که دیدار نسخه فلورانس «فقط به اجازه آقای پیه مونتسه و با موافقت او ممکن است». این گمان ناشی از مبالغه و شایعه هم است زیرا البته خودم مالک نسخه و ارباب فلورانس نبودم و نیز بنا بر قانون و مقررات کتابداری ایتالیا رییس کتابخانه یا معاونش است که به دانشمندان هم ایتالیایی هم خارجی دارای شناسنامه معتبری اجازه مراجعه به یک نسخه خطی را می‌دهد.

گواهی کلیه اظهارات و بیان این جانب درباره نسخه شاهنامه مورخ ۶۱۴ هـ. ق. و از دهگان اول قرن هفدهم میلادی نگه داشته در فلورانس عبارت است از گزارش‌های علمی را که پیرامون وجود،

* این نامه مقاله گونه را پروفیسور دکتر پیه مونتسه به فارسی نوشته است، و چون یادگار است از یکی از ایرانشناسان نامی ایتالیا عیناً و بدون هیچ تغییری در اینجا به چاپ می‌رسد. «نامه بهارستان»

- نگهداری، هویت، تاریخ و برجستگی آن نو شتم و همه دانشمندان می توانند رسیدگی کنند:
- 'Nuova luce su Firdawsī. Uno "Šāhnāma" datato 614 H./ 1217 a Firenze', in *Annali dell'Istituto Orientale di Napoli* 40 (n. s. XXX), 1980, pp. 1-38, 189-242, ill. 10.
- «Les fonds des manuscrits persans conservés dans les bibliothèques d'Italie», in *Journal Asiatique* CCLXX, 1982, pp. 273-293.
- Catalogo dei manoscritti persiani conservati nelle biblioteche d'Italia*, Roma 1989, pp. 112-115.
- «Histoire et paléographie du Šāhnāme de Florence», in *Luqmān*, a. VI, n. 2, n. série 12, Tehran, printemps-été 1990, pp. 53-64, ill. 2.
- نظر به دو نکته‌ی که آقای محمد روشن به آنها اشاره کرد از جمله در *Catalogo* مطالب را به شرح زیر نشان داده بودم.
- روی برگ پسین نسخه‌ی که دارای شماره ثبت Cl. III. 24 است یک کتابداری از دهگان اول قرن هفدهم م. این اطلاع را یادداشت کرد: "N. 76 Portato da Girol. Vecchietti dal Cairo" یعنی: «شماره ۷۶ آورده از جیرولا مو و کیتی از القاهره».
- جیرولامو/ جیرولامو و کیتی (Girolamo/Gerolamo Vecchietti) دانشمند و سیاح نامدار، در سال‌های ۱۵۹۰، ۱۵۹۱، ۱۵۹۴ و ۱۵۹۷ م.، در القاهره و مصر برخی مأموریت‌هایی مهم را انجام داد و چندین نسخ خطی عربی، قبطی و به زبان‌های دیگر را به رم و ایتالیا آورد. او در ایران هم (۱۶۰۵ - ۱۶۰۳ م.) مسافرت کرد. همان‌طور برادرش جوانی باتیستا و کیتی (Giovanni Battista Vecchietti) ایرانشناس [سیاح] نامدار چندین نسخ خطی فارسی را از ایران به رم و ایتالیا آورد. نسخ خطی جالب و فراوانی که از دو برادر و کیتی جمع‌آوری شد اکنون در کتابخانه‌های واتیکان، مدیچنا لاوره‌نزیانای فلورانس (Medicea Laurenziana)، ملی مرکزی فلورانس، ملی ناپل، ملی فرانسه نگه‌داشته می‌شود، رجوع شود به:
- Roberto Almagià, «Giovan Battista e Gerolamo Vecchietti viaggiatori in Oriente», in *Atti della Accademia Nazionale dei Lincei. Rendiconti*, classe di scienze morali, serie VIII, vol. XI, 1956, pp. 313-345.
- Francis Richard, «Les manuscrits persans rapportés par les frères Vecchietti et aujourd'hui à la Bibliothèque Nationale», in *Studia Iranica* 9, 1980, pp. 291-300.
- Catalogo* p. 37-40, 45, 113-114.
- جوانی تارجونی توزتی (Giovanni Targioni Tozzetti)، نگارنده فهرست دست‌نوشته نسخ خطی کتابخانه ملی مرکزی فلورانس در نیمه دوم قرن هیجدهم م. نسخه Cl. III. 24 را به زبان لاتین همچنین ثبت کرد:
- «In Muhammedis Alkoranum Commentarius incerti Auct. Arab. Ex fide: D Steph: Evodii Assemani [...] N. 76, sed catalogo Herbelothiano non respondet». (*Catalogo*, p. 115).
- یعنی: «تفسیر قرآن محمدی از مؤلف گمنام به زبان عربی. به قول آقای ستف اوودیوس اسمانوس شماره ۷۶ ولی با فهرست هربلوت (Herbelot) مطابقت ندارد».
- ستفانوس اوودیوس اسمانوس (Stephanus Evodius Assemanus) خاورشناس نامی در سال ۱۷۴۲ م. فهرست نسخه‌های خطی خاوری کتابخانه Medicea Laurenziana را به انجام و چاپ در فلورانس رساند.



بارتلمی دهریلوت (Barthelemi d'Herbelot) خاورشناس نامدار فرانسه در سال ۱۶۶۶م. نسخه های خطی خاوری مجموعه آل مدیچی (Medici) را در فلورانس فهرست کرده بود. (Catalogo, p. 43).
 متعاقباً قول اشتباهی اسمانوس (Assemanus) نقل شد و بنابر ذکر تارجونی توزتی (Targioni Tozzetti) در فهرست رسمی نسخ خطی کتابخانه ملی مرکزی فلورانس، چاپ ۱۹۰۲ - ۱۹۰۳، نسخه Cl. III. 24 باز هم به عنوان "Commento arabo, adesp. all'Alcorano" یعنی: «تفسیر عربی قرآن فاقد آغاز» ثبت شد. رجوع شود به:
 Giuseppe Mazzatinti-Fortunato Pintor, *Inventari dei manoscritti delle Biblioteche d'Italia*, vol. XII, Firenze (R. Biblioteca Nazionale Centrale), Forli 1902-03, p. 106.

آشکارا در طی قرون هیچ کتابدار، فهرست نویس، خواننده، خاورشناس و ایرانشناسی متوجه هویت نسخه نشد و آن نخوانده هم ماند. در همان کتابخانه نسخه (Cl. III. 106) II. III. 12 را خوانده بودم. عنوان آن «از تفسیر فارسی قرآن» (برگ الف) و محتوی یک واژه نامه فارسی - ایتالیائی - لاتین شامل تنها ۲۹ تا مدخل می باشد. اینک نشر کامل متن جالب حساس این نسخه:

برگ	الفبا	فارسی	لاتین	شماره
1	ا	آسمان	il cielo	3-15
17	ب	ابد. ابدأ	semper	3-15
33	پ	بی	senza, absque, sine	3-14
44	چ	پناه	ombra	12
65	ج	چنان	il paradiso	3-14
	خ	خداوند	Dominus	
		خدای	Deus	
81	د	دیو	demonio	4-1
		دور	lontano	3-13
97	ر	راننده	cacciato, expulsus	
		ریاض	la bellezza	3-14
		رمیده		3-14
113	س	سرکش	capotirato, gonfio, superbo	3-13
129	ش	شد		
		شده	factus	3-14
145		شره	malum	3-15
161	غ	غش	la nausea	3-14
177	ف	فریننده	deceptor	3-13
191		گشت		
		گشته	factus	3-15
205	ن	نام	nomen	4-1
219	م	مانده	restato	
		معبود	adorato, seruito	
		مینهایم	mostro	
		میگیرم	piglio	
231	ه	هر	omnis, omne	
245	و	وسوسه	tentationes	
257	ی	یا	ouero, uel, siue, seu	



جرانی باتیستا رایموندی (Giovanni Battista Raimondi) خاورشناس و ایرانشناس نامدار (ناپل در حدود ۱۵۳۶ - رم ۱۶۱۴ م.) به منظور تدوین یک فرهنگ سه‌زبانه این واژه‌نامه مبنی بر نسخه یک تفسیر فارسی قرآن را در رم نوشت (Catalogo, p. 123-124). رایموندی که مدیر چاپخانه خاوری مدیچا (Stamperia Orientale Medicea) (آل مدیچی تأمین‌کننده، تاریخ بنیادگذاری ۱۵۸۴ م.) واقع در شهر رم بود نسخه‌های متعددی را که برادران و کیتی از ایران، مصر و کشورهای خاوری دیگر می‌آوردند جمع‌آوری و مطالعه می‌کرد (Catalogo, p. 37-46, 110-111). کوشیدم در کتابخانه‌های رم و فلورانس نسخه اصلی آن تفسیر فارسی قرآن را پیدا کنم اما آن را بی‌نبردم چون از دست رفته است. به عوض ثمر آن، ماه سپتامبر ۱۹۷۸ م. در کتابخانه ملی مرکزی فلورانس نسخه Cl. III. 24 شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق. را دیدم و آن را مطالعه کردم، شناختم و شناساندم. بی‌درنگ سرکار خانم دکتر آنتونینا مونتی (Antonina Monti) رئیس بخش مخطوطات کتابخانه را مطلع کردم که نسخه شامل تفسیر عربی قرآن نبود بلکه نمونه تحسین برانگیز، بهادار و بسیار مهم شاهنامه فردوسی است. نخستین خیر عمومی بازیافت این نسخه شاهنامه فردوسی را روزنامه *la Repubblica* ('جمهوری') رم، چهارشنبه ۲۷ ماه دسامبر ۱۹۷۸، ص ۲۸ (آخری)، چاپ کرد. همان روز شبکه اول تلویزیون ایتالیا (R.A.I. TV) هم خبر را پخش کرد. در ایران رویدادهای انقلاب بود. پیرامون دیباچه منشور و مذهب نسخه Cl. III. 24 شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق. این را به شرح زیر نوشتم:

«In Particolare, come fonte del genere, si prospetta quale antecedente della celebre prefazione del principe e letterato timuride Bāysūngur, che segnò un'epoca (829 H./1425) nella storia editoriale del poema.» (Catalogo, p. 112).

یعنی: «مخصوصاً به نظر می‌رسد که (دیباچه) به‌عنوان این‌گونه منبع، یک نمونه پیشین مقدمه مشهور بایسنغر شاهزاده و ادیب تیموری که اثر عهدی (۸۲۹ ه. / ۱۴۴۵ م.) در تاریخ ویرایش منظومه گذاشت می‌باشد». پیرامون حواشی و نوشته‌هایی که زیر فضای انجامه نسخه دیده می‌شود این را به شرح زیر نوشتم:

«Postille turche nella prima cinquantina di ff. (es. 20r, 37r). Segni di collazione (sorta di asterischi) apposti negli interstizi delle colonne del testo, e indicanti in genere versi e lezioni inusuali (es. f. 30r).

Sono forse di mano di Axī Muḥammad b. Axī ... lettore che ha apposto due note (l'inchiostro appare molto scolorito) al centro e nel margine destro di f. 264v, sotto lo spazio occupato dal colophon. Sembra di leggervi una data 632 H./1234, con la citazione di un Amīr Nadr Allah (?), all'epoca defunto.

È forse da indursi la produzione, certo almeno una circolazione del codice in ambito turco-anatolico, ove era attiva la confraternita degli Axī; e da ipotizzare una provenienza dall'Iran occidentale, o Iraq persiano[...].

Nel margine sinistro, sotto la linea del colophon, e in calce al f. 264v, sono apposti inoltre un paio di versi persiani, a firma ripetuta, di Nizām (i) Kasī.» (Catalogo, p. 114).

یعنی: «حاشیه‌ها به زبان ترکی در حدود پنجاه تا برگ اول (مثلاً برگ ۲۰ الف، ۳۷ الف). علایم مقابله (یک گونه علامت ستاره) در لای دو ستون متن افزوده شد و آنها شاخص ابیات و ضبط‌های جالب توجه (مثلاً برگ ۳۰ الف) است.

آنها شاید به دست اخعی محمد بن اخعی ... نوشته شد، این خواننده در وسط و در حاشیه برگ ۲۶۴ ب زیر فضای انجامه دو یادداشت را (جوهر آن بسیار کم رنگ پدیدار است) گذاشت. به نظر می آید که یک تاریخی ۶۳۲ ه. / ۱۲۳۴ م. خوانده شود همراه ذکر شخص به نام امیر نذرالله (؟) که در آن دوره در گذشته بود. شاید می بایستی استنباط کرد که پیدایش نسخه دست کم یقیناً جریان آن در محیط ترک اناتولی بود. در آن طریقت اخعی ها فعال بود. شاید می بایستی هم فرض کرد که جایگاه پیدایش نسخه ایران غربی و یا عراق عجم بود [...].

و نیز زیر سطر انجامه در حاشیه چپ و پایین برگ ۲۶۴ ب یک جفت ابیات فارسی را با امضای مکرر نظام کاشی افزوده شد.

جناب آقای محمد روشن، سطر دوم مقاله فوق الذکر، «دیدار نخستین» خود با این جانب را آغاز کرد یادداشت می نماید ولی تا پایان همین مقاله یادآور هیچ دیدار دیگری نمی گردد. دفعه دوم و تاکنون آخرین باری که فرصت داشتم وی را ببینم به مناسبت برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) بود.

یکشنبه ۲ دی ۱۳۶۹ (۲۳ ماه دسامبر ۱۹۹۰)، ساعت ۴۵: ۱۷، در شعبه دوم کنگره، سالن ۲۳۴ دانشکده ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه، سخنرانی آقای محمد روشن «شاهنامه کتابخانه فلورانس» را شنیدم. سخنران اظهار داشت که نسخه جعل است. اساتید ایرانی، خارجی، ایتالیایی متعددی هم حضور داشتند. اجازه خواستم و از پشت تریبون در ملاء عام به نظر آقای روشن پاسخ دادم. اصالت آشکار نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه. ق. را دفاع کردم. دلیل مستند و مواردی را که خدمت همه حاضران ایراد کردم همین بود که اینجا قسماً و به طور خلاصه در نامه بهارستان، سال دوم، شماره اول، دفتر سوم، بهار - تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۱۰ - ۲۱۱ / ۱۴-۱۵، p. یادآوری کردم. آقای محمد روشن در آن جلسه کنگره جوابی علنی نداد و دیگر او را ندیدم و نشنیدم.

در جلسه قبلی کنگره، ساعت ۱۵، در تالار فردوسی دانشکده، نوبت خواندن سخنرانی خودم «تعریف فردوسی در دستنوشته های کهن شاهنامه» بود. هنگام آن، شفاهاً، اشاره به موجودیت اصیل شاهنامه کتابخانه فلورانس، خدمت حاضران عرض کردم که «هر کسی بهشت را دوست دارد فردوسی را و ایران را دوست دارد». برسم استثنائی حاضران و شنوندگان به این بدیهه دستک زدند. نسخه Cl.III.24 شاهنامه مورخ ۶۱۴ ه. ق. و نگه داشته در کتابخانه ملی مرکزی Nazionale Centrale Firenze (Biblioteca) فلورانس شاهدهی کهن از منظومه فردوسی است. نسخه شناسان و پژوهشگران دانشمندان جهان آن را ارزیابی می کنند. اخیراً هم نسخه شناسان، کارشناسان و اساتید ایرانی برجسته اصالت روشن نسخه و صحت انجامه قشنگ آنرا مکرراً بررسی و تحقیق و تأیید کردند. رجوع شود به:

Abu'l Qasem Ferdowsi, *Shahnameh*, ed. by Djalal Khaleghi-Motlagh, *Daftar I*, Albany, State University of New York Press, 1988.

ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، تهران، روزبهان، ۱۳۶۹. شاهنامه فردوسی، چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس ۶۱۴ ه. ق.، طهران، دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۶۹، مقدمه دکتر علی رواقی، ص یازده تا چهل و چهار. ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه محرم ۶۱۴ از دستنویس موزه فلورانس گزارش ابیات و واژگان دشوار، به قلم دکتر عزیزالله جوینی، تهران، دانشگاه تهران، سه جلد، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰.



جوانی باتیستارایموندی (Giovanni Battista Raimondi) خاورشناس و ایرانشناس نامدار (ناپل در حدود ۱۵۳۶ - رم ۱۶۱۴م.) به منظور تدوین یک فرهنگ سه‌زبانه این واژه‌نامه مبنی بر نسخه یک تفسیر فارسی قرآن را در رم نوشت (123-124, p. *Catalogo*، رایموندی که مدیر چاپخانه خاوری‌مدیچنا (Stamperia Orientale Medicea) (آل‌مدیچی تأمین‌کننده، تاریخ بنیادگذاری ۱۵۸۴م.) واقع در شهر رم بود نسخه‌های متعددی را که برادران و کیتی از ایران، مصر و کشورهای خاوری دیگر می‌آوردند جمع‌آوری و مطالعه می‌کرد (110-111, p. 37-46, *Catalogo*، کوشیدم در کتابخانه‌های رم و فلورانس نسخه اصلی آن تفسیر فارسی قرآن را پیداکنم اما آن را بی‌نبردم چون از دست رفته است. به عوض ثمر آن، ماه سپتامبر ۱۹۷۸م. در کتابخانه ملی مرکزی فلورانس نسخه 24 Cl. III. شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه.ق. را دیدم و آن را مطالعه کردم، شناختم و شناساندم. بی‌درنگ سرکار خانم دکتر آنتونینا مونتینی (Antonina Monti) رئیس بخش مخطوطات کتابخانه را مطلع کردم که نسخه شامل تفسیر عربی قرآن نبود بلکه نمونه تحسین برانگیز، بهادار و بسیار مهم شاهنامه فردوسی است. نخستین خبر عمومی بازیافت این نسخه شاهنامه فردوسی را روزنامه *la Repubblica* ('جمهوری') رم، چهارشنبه ۲۷ ماه دسامبر ۱۹۷۸، ص ۲۸ (آخری)، چاپ کرد. همان روز شبکه اول تلویزیون ایتالیا (R.A.I. TV) هم خبر را پخش کرد. در ایران رویدادهای انقلاب بود. پیرامون دیباچه منشور و مذهب نسخه 24 Cl. III. شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ ه.ق. این را به شرح زیر نوشتم:

«In Particolare, come fonte del genere, si prospetta quale antecedente della celebre prefazione del principe e letterato timuride Bāysungūr, che segnò un'epoca (829 H./1425) nella storia editoriale del poema.» (*Catalogo*, p.112).

یعنی: «مخصوصاً به نظر می‌رسد که (دیباچه) به‌عنوان این گونه منبع، یک نمونه پیشین مقدمه مشهور بایسنغر شاهزاده و ادیب تیموری که اثر عهدی (۸۲۹ ه./۱۴۴۵ م.) در تاریخ ویرایش منظومه گذاشت می‌باشد.» پیرامون حواشی و نوشته‌هایی که زیر فضای انجامه نسخه دیده می‌شود این را به شرح زیر نوشتم:

«Postille turche nella prima cinquantina di ff. (es. 20^r, 37^r). Segni di collazione (sorta di asterischi) apposti negli interstizi delle colonne del testo, e indicanti in genere versi e lezioni inusuali (es. f. 30^r).

Sono forse di mano di Axī Muḥammad b. Axī ... lettore che ha apposto due note (l'inchiostro appare molto scolorito) al centro e nel margine destro di f. 264^v, sotto lo spazio occupato dal colophon. Sembra di leggervi una data 632 H./1234, con la citazione di un Amīr Nadr Allah (?), all'epoca defunto.

È forse da indursi la produzione, certo almeno una circolazione del codice in ambito turco-anatolico, ove era attiva la confraternita degli Axī; e da ipotizzare una provenienza dall'Iran occidentale, o Iraq persiano[...].

Nel margine sinistro, sotto la linea del colophon, e in calce al f. 264^v, sono apposti inoltre un paio di versi persiani, a firma ripetuta, di Nizām (i) Kasī.» (*Catalogo*, p. 114).

یعنی: «حاشیه‌ها به زبان ترکی در حدود پنجاه تا برگ اول (مثلاً برگ ۲۰ الف، ۳۷ الف). علایم مقابله (یک گونه علامت ستاره) در لای دو ستون متن افزوده شد و آنها شاخص ابیات و ضبط‌های جالب توجه (مثلاً برگ ۳۰ الف) است.»

آنها شاید به دست اخعی محمد بن اخعی ... نوشته شد، این خواننده در وسط و در حاشیه برگ ۲۶۴ ب زیر فضای انجامه دو یادداشت را (جوهر آن بسیار کم رنگ پدیدار است) گذاشت. به نظر می آید که یک تاریخی ۶۳۲ هـ/۱۲۳۴ م. خوانده شود همراه ذکر شخص به نام امیر نذرالله (؟) که در آن دوره در گذشته بود. شاید می بایستی استنباط کرد که پیدایش نسخه دست کم یقیناً جریان آن در محیط ترک اناتولی بود. در آن طریقت اخعی ها فعال بود. شاید می بایستی هم فرض کرد که جایگاه پیدایش نسخه ایران غربی و یا عراق عجم بود [...].

و نیز زیر سطر انجامه در حاشیه چپ و پایین برگ ۲۶۴ ب یک جفت ابیات فارسی را با امضای مکرر نظام کاشی افزوده شد.

جناب آقای محمد روشن، سطر دوم مقاله فوق الذکر، «دیدار نخستین» خود با این جانب را آغاز کرد یادداشت می نماید ولی تا پایان همین مقاله یادآور هیچ دیدار دیگری نمی گردد. دفعه دوم و تاکنون آخرین باری که فرصت داشتم وی را ببینم به مناسبت برگزاری کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی (دانشگاه تهران، ۱۳۶۹) بود.

یکشنبه ۲ دی ۱۳۶۹ (۲۳ ماه دسامبر ۱۹۹۰)، ساعت ۴۵: ۱۷، در شعبه دوم کنگره، سالن ۲۳۴ دانشکده ادبیات و علوم انسانی آن دانشگاه، سخنرانی آقای محمد روشن «شاهنامه کتابخانه فلورانس» را شنیدم. سخنران اظهار داشت که نسخه جعل است. اساتید ایرانی، خارجی، ایتالیایی متعددی هم حضور داشتند. اجازه خواستم و از پشت تریبون در ملاء عام به نظر آقای روشن پاسخ دادم. اصالت آشکار نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ هـ. ق. را دفاع کردم. دلیل مستند و مواردی را که خدمت همه حاضران ایراد کردم همین بود که اینجا قسماً و به طور خلاصه در نامه بهارستان، سال دوم، شماره اول، دفتر سوم، بهار- تابستان ۱۳۸۰، ص ۲۱۰-۲۱۱/ ۱۴-۱۵، p. یادآوری کردم. آقای محمد روشن در آن جلسه کنگره جوابی علنی نداد و دیگر او را ندیدم و نشنیدم.

در جلسه قبلی کنگره، ساعت ۱۵، در تالار فردوسی دانشکده، نوبت خواندن سخنرانی خودم «تعریف فردوسی در دستنوشته های کهن شاهنامه» بود. هنگام آن، شفاهاً اشاره به موجودیت اصل شاهنامه کتابخانه فلورانس، خدمت حاضران عرض کردم که «هر کسی بهشت را دوست دارد فردوسی را و ایران را دوست دارد». برسم استثنائی حاضران و شنوندگان به این بدیهه دستک زدند.

نسخه Cl.III.24 شاهنامه مورخ ۶۱۴ هـ. ق. و نگه داشته در کتابخانه ملی مرکزی Nazionale Centrale Firenze (Biblioteca) فلورانس شاهی کهن از منظومه فردوسی است. نسخه شناسان و پژوهشگران و دانشمندان جهان آن را ارزیابی می کنند. اخیراً هم نسخه شناسان، کارشناسان و اساتید ایرانی برجسته اصالت روشن نسخه و صحت انجامه قشنگ آنرا مکرراً بررسی و تحقیق و تأیید کردند. رجوع شود به:

Abu'l Qasem Ferdowsi, *Shahnameh*, ed. by Djalal Khaleghi-Motlagh, *Daftar I*, Albany, State University of New York Press, 1988.

ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه، به کوشش جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، تهران، روزبهان، ۱۳۶۹. شاهنامه فردوسی، چاپ عکسی از روی نسخه کتابخانه ملی فلورانس ۶۱۴ هـ. ق.، طهران، دانشگاه تهران، دی ماه ۱۳۶۹، مقدمه دکتر علی رواقی، ص یازده تا چهل و چهار.

ابوالقاسم فردوسی، شاهنامه محرم ۶۱۴ از دستنویس موزه فلورانس گزارش ابیات و واژگان دشوار، به قلم دکتر عزیزالله جوینی، تهران، دانشگاه تهران، سه جلد، ۱۳۷۵، ۱۳۷۷، ۱۳۸۰.



جلال خالقی مطلق، گل رنج های کهن، به کوشش علی دهباشی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

برات زنجانی، «شاهنامه فردوسی و نسخه خطی کتابخانه ملی فلورانس (مورخ ۶۱۴ ق)»، نامه بهارستان، دفتر اول، بهار - تابستان ۱۳۷۹، ص ۹۷-۱۰۰.

نجیب مایل هروی، «فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه‌شناسی (ترقیمه فارسی)»، نامه بهارستان، دفتر سوم، بهار - تابستان ۱۳۸۰، ص ۴۵-۵۰.

ایرج افشار، آیا «شاهنامه ۶۱۴»، «شاه نسخه» نیست؟، نامه بهارستان، دفتر سوم، ۱۳۸۰، ص ۲۰۸-۲۰۹.

عزیزالله جوینی، «شاهنامه فلورانس بحث انگیزترین دست‌نوشته»، نامه بهارستان، دفتر پنجم، بهار - تابستان ۱۳۸۱، ص ۲۰۶-۲۱۰.

آیدین آغداشلو، «انجامه شاهنامه فلورانس»، نامه بهارستان، دفتر پنجم، ۱۳۸۱، ص ۲۱۱-۲۱۳.

تذکرمی کتم که متن کامل سخنرانی این جانب، «تعریف فردوسی در دست‌نوشته‌های کهن شاهنامه» که آن را موقع کنگره جهانی بزرگداشت فردوسی خوانده بودم، در سخنواره پنجاه و پنج گفتار پژوهشی به یاد دکتر پرویز نائل خانلری، به کوشش ایرج افشار و هانس روبرت رویمر، تهران: توس، ۱۳۷۶، ص ۲۷۹-۲۸۶، نشر شد.

آنجلو میکلّه پیه مونتسه

Angelo Michele Piemontese

ر.م. ۳، ماه نوامبر ۲۰۰۳



انجامه شاهنامه فلورانس، مورخ ۶۱۴ هـ.